

عنوان نشست: فراگیرسازی و پاسخ به مداخله در کودکان با نیازهای ویژه (۲)

شناسنامه نشست	
واحد برگزار کننده نشست:	دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی
مسئول نشست:	دکتر حمید علیزاده (عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)
تاریخ برگزاری نشست:	۱۳۹۷
اعضای هیئت علمی:	دکتر ابوالفضل سعیدی (عضو هیئت علمی پژوهشکده کودکان استثنایی)
نمایندگان دستگاه‌های اجرایی مرتبط:	دکتر محسن غفوریان (معاون برنامه‌ریزی آموزشی و توان‌بخشی سازمان آموزش و پرورش استثنائی کشور)، دکتر زهرا امین‌آبادی (دانش آموخته روان‌شناسی تربیتی)، دکتر منیره عزیزی (مدیر بخش برنامه‌ریزی آموزشی سازمان آموزش و پرورش استثنائی کشور)
مسأله محوری نشست:	ارائه خط مشی‌ها و برنامه‌ریزی برای اجرایی سازی و عملیاتی کردن فراگیرسازی و پاسخ به مداخله در کودکان با نیازهای ویژه
سازمان‌های هدف توصیه سیاستی:	وزارت آموزش و پرورش، سازمان آموزش و پرورش استثنائی کشور، صدا و سیما، سازمان بهزیستی کشور

چکیده مباحث طرح شده:

همواره یکی از بزرگ‌ترین دغدغه مسئولان و متخصصان عرصه آموزش و پرورش کودکان استثنایی، یافتن روش‌ها و برنامه‌هایی است که بتوان از طریق آن ضمن تعیین و تشخیص درست و علمی مشکلات و اختلالات کودکان با نیازهای ویژه، از کاربست‌های عملی جهت بهبود آن‌ها، استفاده نمایند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که سازمان‌های مرتبط با کودکان با نیازهای ویژه، با چالش‌هایی از قبیل سنجش، آموزش و مداخله بهینه و مؤثر در این حوزه مواجه هستند. این چالش‌ها معمولاً در ابزارهای مورد استفاده، برنامه‌های مداخله‌ای مبتنی بر پژوهش، وجود متخصصین توانمند و بستر محیطی و آموزشی مناسب ریشه دارد. همچنین استفاده از برنامه‌های اثربخش و کارآمد در حوزه کودکان با نیازهای ویژه، از جمله مواردی است که باید به آن توجه شود. یکی از رویکردهای مطرح شده در زمینه تشخیص و درمان مشکلات و اختلالات

کودکان با نیازهای ویژه، رویکرد پاسخ به مداخله است. این رویکرد ارتباط تنگاتنگی با مفهوم فراگیرسازی دانش‌آموزان با نیازهای ویژه دارد. براساس نظریه آونگ^۱ اولین سنگ‌بنای فراگیرسازی، اجرایی سازی رویکرد پاسخ به مداخله است؛ بنابراین بررسی شرایط اجرایی شدن رویکرد پاسخ به مداخله در کشور ضروری و اجتناب ناپذیر است. با این وجود، عملیاتی کردن رویکرد پاسخ به مداخله با چالش‌هایی مواجه است از جمله می‌توان گفت آموزش متخصصین برنامه‌ریزی درسی و آموزشی برای طرح‌ریزی رویکرد پاسخ به مداخله ضروری بوده و نیاز است که این رویکرد به صورت عملیاتی و مقدماتی در مدارس مختلف انجام شود و اثربخشی آن با سایر کشورها مقایسه شود. از جمله چالش‌های دیگر عملیاتی شدن رویکرد پاسخ به مداخله در سراسر مدارس کشور، فراهم آوردن سازمان یا مرکزی است که از طریق آن افراد متخصص در این حوزه تربیت شوند. ذکر این نکته حائز اهمیت است که عدم اجرایی‌سازی رویکرد پاسخ به مداخله و فراگیرسازی، هزینه‌های زیادی را بر جامعه به ویژه والدین و کودکان با نیازهای ویژه تحمیل می‌کند. همچنین باید متذکر شد که تنظیم و عملیاتی‌سازی راهبردهای رویکرد پاسخ به مداخله و فراگیرسازی در سطح جامعه نیازمند هزینه و زمان می‌باشد، اما این هزینه در مقایسه با هزینه عدم اجرای آن بسیار پایین است. در واقع، رویکرد پاسخ به مداخله را می‌توان نوعی پیشگیری نوع اول دانست. باید توجه داشت که اجرای رویکرد پاسخ به مداخله در مراحل ابتدایی می‌تواند سخت و پیچیده به نظر برسد، اما پیشرفت در اجرای مراحل آن می‌تواند تا ۹۵ درصد شیوع مشکلات در دانش‌آموزان با نیازهای ویژه را کاهش دهد. در واقع براساس الگوی پاسخ به مداخله، تنها ۵ درصد از دانش‌آموزان نیازمند دریافت خدمات ویژه و آموزش ویژه هستند (گریو^۲، ۲۰۱۶). همین امر باعث شده است رویکرد پاسخ به مداخله اهمیتی غیرقابل انکار داشته باشد. همچنین وجود برخی مشکلات و چالش‌ها باعث شده است تا بیش از پیش به رویکرد پاسخ مداخله توجه شود. برای نمونه، معمولاً تشخیص مشکلات و اختلالات در دانش‌آموزان، با خطا و سوگیری

1. Pendulum Theory
2. Graves

انجام می‌شود. از سویی دیگر در تشخیص اختلالات دوران کودکی و کمک به کودکان با نیازهای ویژه، رویکرد پیشگیری از مشکل مورد توجه قرار نمی‌گیرد یا در عمل مشاهده نمی‌شود. همچنین وجود گروه‌ها و همبودی اختلالات مختلف در بین کودکان با نیازهای ویژه باعث شده است تا ابزارهای تشخیصی کارآمدی و قدرت تمیز خود را به خوبی نشان ندهند. در برخی موارد تکیه بر ابزارهای تشخیصی ممکن است صرفاً به تشخیص بینجامد و مداخلات مرتبط با تشخیص صورت نگیرد. برای نمونه، در بسیاری موارد، کودکان دیرآموز صرفاً تشخیص دریافت می‌کنند و مداخلاتی در راستای تشخیص انجام نمی‌شود. همچنین به عقیده برخی از صاحب نظران حوزه پاسخ به مداخله و فراگیرسازی، ابزارهای تشخیصی نگاه ساده‌انگارانه به اختلالات دارند.

با وجود سودمندی رویکرد پاسخ به مداخله و فراگیرسازی، اجرایی شدن آن در کشور با چالش و مشکلاتی همراه است؛ که از جمله می‌توان به وارد ساختن رویکرد و راهبردهای رویکرد پاسخ به مداخله در سیاست‌گذاری‌ها اشاره کرد. تدوین یک پروتکل آموزشی جامع برای رویکرد پاسخ به مداخله و بررسی اثربخشی آن نیز چالش‌انگیز است؛ بنابراین نیاز است در این حوزه اقدامات کارشناسی انجام شود.

توصیه‌های سیاستی:

۱. ایجاد کارگروه مشترک بین دانشگاه علامه طباطبائی، سازمان آموزش و پرورش استثنایی و آموزش عمومی کشور. چراکه این امر ضمن پیوند بین پژوهش و عمل، همگرایی در اجرای رویکرد پاسخ به مداخله را فراهم می‌سازد و باعث می‌شود زبان مشترک و اثربخش در اجرای رویکرد پاسخ به مداخله ایجاد شود.
۲. انجام پژوهش در حیطه پاسخ به مداخله و فراگیرسازی در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه با مشارکت کارشناسان سازمان آموزش و پرورش کودکان استثنایی و آموزش عمومی در همه مراحل از طراحی پژوهش/ پایان‌نامه تا انتشار و به کارگیری. این امر ضمن آشناسازی دانشجویان و متخصصان با حوزه رویکرد پاسخ به مداخله، شرايطی

فراهم می‌آورد تا خلأها در این حیطه بیشتر روشن گردد و پشتوانه علمی برای اجرایی‌شدن رویکرد پاسخ به مداخله فراهم آید.

۳. بازنگری در روند و سامانه‌های مربوط به پژوهش در سازمان آموزش و پرورش استثنایی به منظور تسهیل روند پژوهش در حیطه پاسخ به مداخله و فراگیرسازی. بازنگری می‌تواند در زمینه ارائه تسهیلات و حمایت‌های مالی و یا در زمینه هماهنگی و تسهیل انجام پژوهش‌ها در مدارس باشد.

۴. تعریف روند و چگونگی بهره‌گیری از نتایج همکاری‌ها کارگروه تخصصی پاسخ به مداخله و فراگیرسازی به صورت عملیاتی. چرا که بدون مشخص کردن اهداف، روندها و چگونگی بهره‌گیری نتایج، اجرای پروتکل و برنامه پاسخ به مداخله میسر نمی‌شود.

۵. مشخص کردن دورنمای فعالیت‌های کارگروه تخصصی پاسخ به مداخله و فراگیرسازی به گونه‌ای که قابل دستیابی باشد. این دورنما و چشم‌انداز شرایطی را فراهم می‌کند تا بتوان برای رسیدن به اهداف، خط‌مشی و راهبردها را طراحی نمود.

۶. مشخص کردن مأموریت‌های کارگروه تخصصی پاسخ به مداخله و فراگیرسازی و سه سوی همکاری در جهت اجرایی‌سازی روند طراحی، اعتباریابی و اجرایی ساختن و ارزشیابی برنامه‌های مناسب در سطح کشور و عدم شتاب‌زدگی در اجرای آن. برنامه پاسخ به مداخله یک روند پیوسته و مستمر است. شتاب‌زدگی در اجرای آن می‌تواند به نتایج نامطلوب و نامؤثر بینجامد.

۷. تنظیم تفاهم‌نامه و توافق‌نامه بین دانشگاه علامه طباطبائی و سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور که به صورت مشترک تصدی اجرایی‌سازی برنامه پاسخ به مداخله و فراگیرسازی را متعهد شوند. این تفاهم‌نامه می‌تواند به روشن‌سازی و التزام دو طرف در برنامه‌ریزی، اجرایی‌سازی، بررسی و ارزیابی راهبردها و مراحل موردنیاز رویکرد پاسخ به مداخله، کمک نماید.

۸. استفاده از نیروهای متخصص و دانشجویان دانشگاه‌های مختلف در کارگروه در همه مراحل کار

۹. انجام حداقل دو مطالعه مروری نظام‌مند، قوی و نقادانه در حیطه اثربخشی رویکرد پاسخ به مداخله و فراگیرسازی با همکاری دانشگاه علامه طباطبائی و سازمان آموزش و پرورش استثنایی. انجام پژوهش مروری شواهد و اطلاعات مربوط به رویکرد پاسخ به مداخله را خلاصه می‌نماید، امکان به‌هنگام‌سازی اطلاعات موجود در زمینه رویکرد پاسخ به مداخله را فراهم می‌آورد، تصویری روشن از نتایج پژوهش‌های مختلف فراهم می‌کند و نقاط قوت، مزایا، موانع و محدودیت‌ها را بهتر نشان می‌دهد. طراحی برنامه اجرای آزمایشی رویکرد پاسخ به مداخله و ارزشیابی آن در مداخله به‌هنگام گروه‌های دارای نیاز ویژه تحت پوشش آموزش و پرورش و مشخص کردن دامنه اجرایی و مرحله بندی اجرای پاسخ به مداخله و فراگیرسازی
۱۰. طراحی و انجام مطالعه بررسی وضعیت موجود و نیازسنجی در زمینه مداخله به‌هنگام با رویکرد فراگیرسازی و پاسخ به مداخله
۱۱. تدوین برنامه در زمینه تشخیص مشکلات کودکان با نیازهای ویژه از طریق تدوین پروتکل‌های ارزیابی مبتنی بر رویکرد پاسخ به مداخله
۱۲. برگزاری جلسات هم‌اندیشی با حضور متخصصان، کارشناسان، استادان و مدیران دانشجویان تحصیلات تکمیلی حوزه کودکان با نیازهای ویژه و به‌بحث گذاشتن مراحل اجرایی و اهداف پروتکل پاسخ به مداخله و تکمیل مراحل اجرایی آن
۱۳. آموزش معلمان دوره نخستین کودکان و ابتدایی و متخصصان حوزه پاسخ به مداخله و فراگیرسازی از طریق پروتکل مدون و کارگاه‌های آموزشی. سازمان آموزش و پرورش استثنایی با همکاری استادان دانشگاه می‌تواند زمینه‌ای فراهم آورد تا با برگزاری کارگاه‌های آموزشی و ارائه گواهی کارگاه‌ها، گام بلندی در اجرایی‌شدن رویکرد پاسخ به مداخله بردارد.
۱۴. تشکیل گروه ارزشیابی و بهبود و برگزاری جلسات ماهانه میان نمایندگان مجریان و کارگروه برنامه‌ریزی به منظور ارزیابی و بهبود سازی فرایند رویکرد پاسخ به مداخله و تعیین وظایف افراد مسئول در این حوزه

۱۵. بررسی گزارش‌های ماهانه کارگروه ارزشیابی و بهبود و مشارکت کارگروه

۱۶. تدوین برنامه کشوری توسعه فراگیرسازی با رویکرد پاسخ به مداخله و برنامه ارزشیابی آن با همکاری سه طرف موافقت‌نامه

خلاصه و جمع‌بندی

به‌طور کلی می‌توان گفت با توجه به رویکردهای نوین در زمینه شناسایی، تشخیص و مداخله در زمینه توانبخشی و آموزش و پرورش کودکان با نیازهای ویژه، موجب شده است تا استفاده از رویکرد پاسخ به مداخله به عنوان جایگزین مورد توجه قرار گیرد. در این بین اجرای رویکرد پاسخ به مداخله با چالش‌ها و موانعی روبه‌رو که باید مورد توجه قرار گیرد. رویکرد پاسخ به مداخله باید به صورت عملیاتی، شفاف، سازمان‌بندی شده طراحی شود، وضعیت موجود آن مشخص گردد و اثربخشی آن در حوزه کودکان با نیازهای ویژه مورد بررسی قرار گیرد. برای این کار نیاز است که همکاری صمیمانه مشترکی میان متخصصان دانشگاهی و آموزش و پرورش به وجود آید که توافق‌نامه‌ای روشن و شفاف می‌تواند راهکار خوبی برای این مهم باشد. کارگروه تخصصی مشترکی برای آن ایجاد شود، مأموریت‌ها و اهداف آن مشخص گردد و در نهایت برای اجرایی شدن برنامه پاسخ به مداخله و ارزشیابی اثربخشی آن متخصصین و افراد توانمند استفاده شود.